

نقد جامعیت در دائرةالمعارف‌های اسلامی خاورشناسان

علی خراسانی^۱

چکیده

دائرةالمعارف اسلام، دائرةالمعارف قرآن - و دائرةالمعارف جهان نوین اسلام سه دائرةالمعارف مهمی هستند که خاورشناسان در یکصد سال اخیر در قلمرو اسلام نگاشته‌اند. از آنجا که غربی‌ها مبتکر نگارش دائرةالمعارف در قالب‌های امروزی به شمار می‌آیند، انتظار می‌رود که خود معیارهای شناخته‌شده در تدوین دائرةالمعارف از جمله رعایت جامعیت در گزینش مدخل‌ها و نیز جامعیت در محتوای ارائه‌شده در مقالات - به معنای پرداختن به همه دیدگاه‌های اساسی و مطرح در هر موضوع - را رعایت کرده باشند. در این تحقیق که با روش توصیفی و تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به مدخل‌ها و مقالات این دانشنامه‌ها انجام می‌شود، قرار است به این پرسش پاسخ داده شود که خاورشناسان در دائرةالمعارف‌های اسلامی اصل جامعیت را در چه حدی رعایت کرده‌اند؟ از این پژوهش برمی‌آید که دائرةالمعارف‌های اسلامی خاورشناسان اصل جامعیت را در شماری از عرصه‌ها به‌ویژه در موضوعات، اصطلاحات و آموزه‌های مرتبط با شیعه رعایت نکرده‌اند و از این جهت کاستی‌های پرشمار به چشم می‌خورد. ضرورت کنکاش در این موضوع از آن جهت است که این دائرةالمعارف‌ها مهم‌ترین منبع و مرجع برای معرفی اسلام در غرب است و نتیجه این پژوهش می‌تواند اندیشمندان مسلمان و حوزویان و دانشگاهیان را به تکاپویی جدید در عرصه دائرةالمعارف‌نویسی به‌ویژه به زبان‌های خارجی وادارد و نیز می‌تواند به ساماندهی ارتباطات علمی با متولیان دانشنامه‌های غربی و باز تألیف، تصحیح و تکمیل برخی مقالات منجر شود.

واژگان کلیدی: اسلام، خاورشناسان، استشراق، جامعیت دائرةالمعارف‌ها، دائرةالمعارف‌های اسلامی.

۱. استادیار گرایش علوم قرآنی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، khorasani110@gmail.com

مقدمه

قرن‌هاست که شمار فراوانی از خاورشناسان فعالیت خویش را بر اسلام‌شناسی متمرکز کرده‌اند. آنان با فراگیری زبان عربی و سایر زبان‌های اسلامی، ایجاد مراکز آموزشی و دانشگاهی، مطالعات گسترده کتابخانه‌ای و نیز مسافرت به کشورهای اسلامی و به‌ویژه مراکز علمی مسلمانان به تحقیق و پژوهش درباره قرآن، حدیث، سیره، تاریخ، فقه اسلامی و نیز به شناخت جغرافیای اسلامی و ملل مسلمان، آداب و رسوم و ضعف‌ها و قوت‌های آنان پرداخته‌اند. همچنین خاورشناسان برای معرفی اسلام بر اساس پژوهش‌ها و یافته‌های خود اقدامات گسترده‌ای کرده‌اند. آنان در این زمینه به ترجمه قرآن به زبان‌های غربی، ترجمه آثار اسلامی، تصدی تدریس در کرسی‌های اسلام‌شناسی در دانشگاه‌ها، تألیف ده‌ها هزار کتاب و مقاله و تدوین دائرةالمعارف‌های اسلامی و قرآنی روی آورده‌اند و همه ابزارهای پیشرفته جهان مانند نشر مکتوب و الکترونیک، تلویزیون، ماهواره و سینما را به خدمت گرفته‌اند.

از اندیشمندان مسلمان و به‌ویژه حوزویان - که رسالت پاسداری از اسلام را بر دوش می‌کشند - انتظار است که با ساده‌اندیشی همه این اقدامات را بر خیرخواهی و علم‌گرایی خاورشناسان حمل نکنند و از سویی دیگر با بدبینی مطلق مهر بطلان بر همه آثار آنان نهند؛ بلکه بدون افراط و تفریط و با رعایت اعتدال و واقع‌بینی فعالیت‌های خاورشناسان را به‌صورت عالمانه و منصفانه بررسی و نقد نمایند.

معرفی اجمالی سه دائرةالمعارفی که موضوع بحث ماست بدین شرح است:

۱. دائرةالمعارف اسلام

The encyclopaedia of islam یا دائرةالمعارف اسلام که به‌صورت اختصاری از آن به EI یاد می‌شود طی سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۸ به قلم خاورشناسان اروپا و آمریکا تألیف و به زبان انگلیسی، آلمانی و فرانسوی در چهار جلد اصلی و یک جلد تکمیلی منتشر شد.

این اثر را می‌توان نخستین فعالیت دانشنامه‌ای به شیوه نو و امروزی دربارہ دین اسلام به شمار آورد. مقالات این دائرةالمعارف به موضوعات و مفاهیم اسلامی، اعلام و شخصیت‌های مسلمان، اماکن جغرافیایی جهان اسلام و آثار مکتوب اسلامی پرداخته است.

اندیشه تألیف دائرةالمعارف اسلام به سال‌های پایانی قرن نوزدهم یعنی سال ۱۸۹۲ میلادی برمی‌گردد که در نهمین کنگره بین‌المللی خاورشناسان در لندن ضرورت تدوین آن به تصویب رسید.

ویرایش دوم EI که در دهه ۱۹۵۰ آغاز شده بود در سال ۲۰۰۳ با انتشار ۱۱ جلد در ۲۰۰۰ صفحه به پایان رسید. آمار مدخل‌های آن حدود ۱۰/۰۰۰ عنوان است.

در ویرایش دوم EI مدخل‌های جدیدی اضافه شد، شماری از مقالات به صورت کامل بازنویسی شد و برخی مقالات تصحیح و تکمیل گردید.

چند سالی است که ویرایش جلد سوم این دائرةالمعارف نیز آغاز شده است.

دائرةالمعارف اسلام به دلیل ویژگی‌ها و اهمیت به زبان‌های مختلف از جمله اردو، عربی، و ترکی ترجمه گردید. ترجمه فارسی EI اگر چه آغاز شد ولی به اتمام نرسید.

۲. دائرةالمعارف قرآن - لیدن

دائرةالمعارف قرآن The encyclopediad of Quran که به اختصار از آن به EQ یاد می‌شود، نخستین دائرةالمعارف تخصصی قرآنی است که از سوی خاورشناسان تدوین و در نخستین سال‌های هزاره سوم نشر یافته است. این دائرةالمعارف با ۷۵۰ مدخل و در ۵ جلد و در ۲۹۱۹ صفحه در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ منتشر شده است، جلد ششم این مجموعه مشتمل بر ۵ فهرست مختلف برای کاربران در ۸۶۰ صفحه ارائه شده است که با توجه به شروع پروژه در سال ۱۹۹۳ تکمیل این کار ۱۳ سال طول کشیده است. سرویراستار این اثر خانم جین دمن مک اولیف (Jane dammen Mcauliffe) استاد تاریخ و ادبیات دانشگاه جرج تاون آمریکا است.

۳. دائرةالمعارف جهان نوین اسلام آکسفورد

یکی از مهم‌ترین آثار مرجع در زمینه اسلام و فرهنگ اسلامی که در سال‌های اخیر به زبان انگلیسی تألیف شده، دائرةالمعارف جهان معاصر آکسفورد یا the oxford encyclopedia of modern Islamic world است. این دائرةالمعارف به صورت الفبایی است و در چهار جلد در سال ۱۹۹۵ میلادی منتشر شده است. این اثر شامل ۷۵۰ مقاله است که به منظور جامعیت در تمامی جنبه‌های حیات اجتماعی و دینی مسلمانان، در پنج مقوله تنظیم شده است: اندیشه و اعمال اسلامی؛ اسلام و سیاست؛ جوامع و اجتماعات مسلمانان؛ اسلام و اجتماع؛ مطالعات اسلامی.

در سال‌های اخیر به‌ویژه در شماری از مجلاتی که به صورت تخصصی به موضوع اشتراق پرداخته‌اند، دانشنامه‌های اسلامی شرق شناسان به صورت کلی و در مواردی حتی مقالات این دانشنامه‌ها بررسی و نقد شده‌اند و در ضمن نقد به کاستی‌های محتوایی و نبود برخی مدخل‌ها اشاره شده است؛ ولی در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها بر موضوع جامعیت که یکی از اصول پذیرفته دانشنامه‌ای است تمرکز نشده و دانشنامه‌های مذکور از این جهت نقد نشده است.

ما در این پژوهش موضوع جامعیت را در دو عرصه جامعیت در گزینش مدخل‌ها و جامعیت در محتوای مقالات پی می‌گیریم و به این پرسش پاسخ می‌دهیم که عملکرد خاورشناسان در این دو عرصه چگونه و در چه حد است؟

گفتنی است که رعایت اصل جامعیت در قلمروی که دانشنامه‌ها برای خود تعریف کرده‌اند از اهمیت زیادی برخوردار است.

۳-۱. جامعیت مدخل‌ها

بر اساس ضوابط مدخل‌گزینی در دائرةالمعارف‌ها، ویراستاران لازم است در محدوده و حوزه‌ای که برای دائرةالمعارف تعریف کرده‌اند کنکاش وسیع و همه‌جانبه‌ای داشته باشند تا همه

موضوعات و اصطلاحات شناخته‌شده در آن حوزه در قالب مدخل‌های اصلی و یا ارجاعی رخ بنماید. آشنایی بیشتر با شماری از مدخل‌ها نباید بخش‌های علمی را از جستجو در مدخل‌هایی که دور از دسترس است غافل نماید. با بررسی این موضوع در دائرةالمعارف‌های محل بحث مشاهده می‌شود که این نقد بر آنها وارد است و متولیان دائرةالمعارف‌های مذکور کوشش لازم برای دستیابی به همه اصطلاحات شناخته‌شده در قلمروی که برای خود تعریف کرده‌اند را نداشته‌اند. مثلاً در دائرةالمعارف اسلام در موضوعات مربوط به ملل ترک‌زبان به‌ویژه ترکیه و همچنین شمال آفریقا توجه مناسبی شده است و تقریباً همه اعلام تاریخی و جغرافیایی این مناطق مدخل قرار گرفته و حتی افراد و مکان‌های کم‌اهمیت این نواحی نیز عموماً تفصیلی مستوفی و گاه زائد یافته‌اند و این به دلیل وجود اطلاعات و محققان کافی از این مناطق بوده است. برعکس در مورد ایران کوتاهی‌هایی در دائرةالمعارف اسلام دیده می‌شود که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. مثلاً از رجال دوره قاجار حتی نام «امیر کبیر» در این دائرةالمعارف نیامده و در میان شصت تن احمد که در آن عنوان شده، نام احمد شاه قاجار دیده نمی‌شود. (یارشاطر، ۱۳۵۴: ۲۱)

با نگاهی گذرا به مجلدات ویراست نخست دائرةالمعارف اسلام درمی‌یابیم که این دائرةالمعارف فاقد شمار فراوانی از موضوعات و مطالب مهم پیرامون جنبه‌های گوناگون تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی جهان تشیع و ایران است

موضوعات و مفاهیم قرآنی نیز در دائرةالمعارف اسلام به‌خوبی انعکاس نیافته است و فقط تعداد کمی از این مفاهیم مدخل قرار گرفته است؛ مثلاً در حرف الف این دائرةالمعارف تعداد مدخل‌هایی که بتوان آنها را از مفاهیم اساسی قرآنی دانست اندک است، درحالی‌که موضوعاتی مانند آخرت، اخلاص، ارتداد، استدراج، استغفار، اعجاز، امر به معروف، انسان، ایمان و انفاق در حرف الف این دائرةالمعارف مدخل قرار نگرفته است.

مقایسه مدخل‌های حروف اولیه دائرةالمعارف اسلام با دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، کاستی‌ها

و فقدان جامعیت مدخل‌گزینی Ei را در حوزه اصطلاحات معارف اسلامی آشکار می‌سازد و اساساً یکی از اشکال‌های عمده بر دائرةالمعارف اسلام این است که مدخل‌گزینی‌ها صرفاً تابع وجود یا انباشت اطلاعات درباره یک موضوع و نیز تابع نیازهای علمی خاورشناسان بوده است. (نوری، ۱۳۸۷: ۹۸)

بر EQ نیز همین اشکال وارد است، چنانکه در این دائرةالمعارف مدخلی در مورد توحید و یکتایی خدا نمی‌توان یافت. بسیار مشکل می‌توان تصور کرد که دائرةالمعارفی درباره قرآن که ادعا می‌کند شامل مقالاتی است که مفاهیم مهم قرآنی را بررسی می‌کند مدخلی را به این مفهوم محوری قرآن اختصاص نداده باشد، به خصوص زمانی که همین اثر مدخل‌هایی چون احمدیه، ادبیات آفریقا، دیوبندی‌ها و ائاثیه و مبلمان را دربردارد. بنابراین مدخل‌هایی که باید در دائرةالمعارف قرآن - گنجانده یا حذف شود ملاک مشخصی ندارد. برای مثال بعضی اصحاب نزدیک پیامبر گنجانده شده و بعضی دیگر حذف شده‌اند، بی‌اینکه برای این‌گزینه‌ها دلیلی ذکر شود. از حیوانات، پرنده‌ها و خزنده‌هایی که در قرآن ذکر شده تنها مقالاتی در مورد «سگ» و «شتر» می‌توان یافت، اما درباره «اسب» و «گرگ» چیزی یافت نمی‌شود. به «زنبور» و «مورچه» که نام دو سوره قرآن است مقاله‌ای اختصاص داده نشده و به اشاره مختصر ذیل مدخل زندگی حیوانات بسنده شده است. همین‌طور از میان گیاهان و میوه‌جات مقاله‌ای درباره درخت خرما هست، ولی برای «انگور»، «زیتون» و «انار» مدخل و مقاله‌ای یافت نمی‌شود. (مظفر اقبال، ۱۳۸۸ش: ۱۱)

از سوی دیگر در همین دائرةالمعارف مدخل‌هایی‌گزینه‌شده که ارتباط مستقیمی با قرآن ندارد و به نظر می‌رسد اطلاعات و منابعی که به صورت اتفاقی در دسترس ویراستاران بوده آنان را به این سمت و سو کشیده است که چنین مدخل‌هایی را‌گزینه‌ش نمایند و به موارد مشابه بی‌تفاوت باشند؛ مدخل‌هایی مانند ادبیات آفریقا، آارات، آمریکایی‌های آفریقایی، دروزیان، اتیوپی، اباضیه و فرقه بهایی. (مؤدب، ۱۳۸۷: ۱۰۵)

در دائرةالمعارف جهان نوین اسلام که به گفته سرویراستار، متمرکز بر دوران جدید، از اواخر قرن هجدهم تا زمان حاضر است، مدخل‌ها منطبق با این غرض و قلمرو برگزیده نشده است و بسیاری از مداخل مربوط به چند قرن قبل و حتی صدر اسلام است؛ مدخل‌هایی همچون امویان، عباسیان، فاطمیان، علامه حلی، غزالی، ابن خلدون، و ... اگر عنوان «دوران جدید» است، کتاب باید صرفاً به همین دوران بپردازد، و اگر نه چنین است، یا باید به عنوان اصلی چیزی بیفزاید، یا در مقدمه توضیح دهد که استطراداً یا به علت ضرورت به برخی از دیگر دوران‌ها نیز پرداخته است و علت‌گزینش مداخل انتخاب‌شده را نیز کاملاً تبیین کند که چرا از بین حکومت‌ها، شخصیت‌ها و مفاهیم فراوان فقط بخشی‌گزینش شده و بقیه نیامده است. (هدایت، ۱۳۸۰: دفتر ۶۹) در دائرةالمعارف جهان نوین اسلام که به فارسی هم ترجمه شده است در مدخل‌های حرف «الف» با موضوعاتی مانند اخلاق، ارث، ازدواج و طلاق، امت، الله و امامت مواجه می‌شوید، ولی مدخل‌هایی مانند آزادی، امر به معروف و نهی از منکر، اعتدال، افراط و تفریط، استقلال، استبداء، استثمار، ارتداد، اتحاد، اخوت، انسان، انسان کامل، انفال که در شکل‌گیری جهان معاصر اسلام نقش اساسی دارد نیامده است.

۲-۳. جامعیت مقالات

مقالات دائرةالمعارف باید اطلاعات اساسی هر موضوع را به صورت کامل ارائه دهد و به همه زوایای آشکار و پنهان آن موضوع بپردازد و به دیدگاه‌های مهم و مبنایی در حدّ نیاز مخاطب و متناسب با جایگاه و اهمیت موضوع در مجموعه دائرةالمعارف بپردازد؛ بنابراین کمی اطلاعات نویسنده درباره یک موضوع و نیز سختی دسترسی وی به منابع نمی‌تواند مجوزی برای ارائه مقاله‌ای غیر جامع و ناقص باشد. با بررسی دائرةالمعارف‌های خاورشناسان به این جمع‌بندی می‌رسیم که شماری از مقالات ارائه‌شده صرف نظر از صحت و سقم مطالب و تحلیل‌های جانب‌دارانه از جامعیت مطلوبی برخوردار است و به مباحث مهم و نیز آرا و دیدگاه‌های اساسی درباره آن موضوع پرداخته است. با وجود این، بسیاری از مقالات هم از عدم طرح مباحث اساسی رنج می‌برد.

نقد‌ها و اشکالاتی که بر جامعیت مقالات وارد است را می‌توان در دو محور کمبود اطلاعات و انعکاس ضعیف آرای شیعه سامان داد.

۳-۲-۱. کمبود اطلاعات

با بررسی ویرایش اول دائرةالمعارف اسلام به وضوح مسئله کمبود اطلاعات و فقدان جامعیت در اکثر مقالات خودنمایی می‌کند. متولیان این دائرةالمعارف کوشیده‌اند در ویرایش دوم این کاستی را برطرف نمایند که تا حدود قابل توجهی توفیق یافته‌اند و از این جهت مقالات دو ویرایش قابل مقایسه نیست و گاهی برای ترمیم این نقیصه، حجم مقاله را تا بیش از ۱۰ برابر افزایش داده‌اند. با وجود این مقالات ویرایش دوم نیز در موارد فراوانی جامعیت لازم را ندارد. ما با بررسی تعدادی از مقالات مربوط به امامان شیعه و همسران پیامبر ﷺ در Ei به برخی از این کمبودها اشاره می‌کنیم. پیش از واریسی نقص‌های محتوایی و موردی هر یک از این مقالات باید به این نکته توجه داشت که اغلب مقالاتی که در دائرةالمعارف اسلام درباره امامان شیعه نگاشته شده، آنان را تنها به منزله چهره‌های برجسته و مشهور تاریخی که گاه با حکومت‌های معاصر خویش تعاملات و تصادماتی داشتند، برمی‌رسند. در این مقالات به معرفی شناسنامه‌ای امامان و بیان حوادث مهم عصر آنان بسنده شده و رسالت و جایگاه حقیقی ایشان در جامعه و نیز نقشی که در جامعه داشته‌اند مغفول مانده است. از این روی مقالات مزبور از دیدگاه خواننده شیعه که به اصل امامت و جایگاه رفیع امامان در هدایت انسان‌ها معتقد است، جامعیت لازم را ندارند. (عرب، ۱۳۸۷ الف: ۳۵۴) افزون بر نواقص و اشکالات کلی فوق، کمبودهای محتوایی و موردی شماری از این مقالات به شرح ذیل است:

مقاله «محمد بن علی الباقر» (امام پنجم) از اتان کُلبِرگ (Etan Hohlberg) است. وی از شیعه‌پژوهان غربی است و مقالات و آثار پرشماری در باب شیعه نوشته است. آگاهی جدی و همه‌جانبه کلبِرگ از منابع کهن شیعی که به ظن قوی مرهون آشنایی و مرادده علمی‌اش با برخی محققان شیعه است، سبب قوت علمی و تحقیقی کارهای وی شده و نگاشته‌هایش

از ضعف و سستی آثار اسلام شناسان گذشته غربی، از این حیث مبراست. مقایسه منابع مقاله امام باقر علیه السلام با همین مقاله در ویراست نخست دائرةالمعارف اسلام می‌تواند شاهد و مؤیدی بر این سخن باشد. مقاله مذکور مشتمل است بر تاریخ ولادت امام باقر علیه السلام و اقوال مختلف درباره آن، نسب، سیره امام در زندگی شخصی، شخصیت و مقام علمی و اجتماعی امام، چگونگی مواجهه و مناسبات آن حضرت با حکومت‌های معاصر خود، نقش ایشان در مقام هدایت و ساماندهی جامعه شیعه و تربیت شیعیان، رویارویی ایجابی و سلبی امام با جریان‌های سیاسی و مذهبی عصر خود، امام از منظر عارفان، رحلت امام و مسائل تاریخی پیرامون آن، و مکان خاک سپاری آن حضرت. (Kohlberg, 1993, 7, 397)

با این حال، به نظر می‌رسد اگر نویسنده به مجموعه گفتمان موجود درباره حضرت محمد بن علی الباقر علیه السلام التفات می‌کرد، باید به بحث مهم و کلیدی امامت آن حضرت نزد شیعیان می‌پرداخت. نیک می‌دانیم که عقیده «امامت منصوص» اصلی‌ترین آموزه شیعه است و از همان آغاز، پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله همین آموزه راهگشای شناخت هر یک از امامان برای شیعیان بوده است. هر امام تنها از رهگذر نصّ و نصب الهی شناخته می‌شد، و به همین سبب در پی درگذشت یک امام، مهم‌ترین پرسش برای شیعیان همین مسئله بود. اختلاف و تفرقه‌های پیش‌آمده نیز بیش از هر چیز، ریشه در همین آموزه داشت. از این روی نباید چگونگی استقرار حضرت باقر علیه السلام در جایگاه امامت، در یک مقاله دائرةالمعارفی که معرّف اصلی‌ترین فصول مرتبط با آن حضرت است، از قلم می‌افتاد. بر این نکته بیفزاییم که پس از شکل‌گیری مذهب زیدیه در عصر امام صادق علیه السلام و پیوستن سادات حسنی به آنان، مباحثات جدی در موضوع امامت حضرت محمد بن علی الباقر علیه السلام پیش آمد؛ از آن روی که سادات حسنی در همان روزگار امام، با آن حضرت سر‌ناسازگاری داشتند و زیدیه نیز چون امامت را حق زید بن علی بن الحسین می‌شمردند، در امامت حضرت باقر علیه السلام خدشه کردند، و به تبع آن، ادله امامت حضرت باقر علیه السلام، سال‌ها پس از رحلت ایشان کانون بحث و بررسی قرار گرفت. (طارمی، ۱۳۸۷: ۲۵۵)

مقاله «امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام» از ام. جی. اس. هاجسون (M.G.S.Hodgson) است. این مقاله از نظر محتوا حاوی مطالب جالب و مفیدی درباره آن امام است که به ویژه برای غربیان می‌تواند مفید باشد.

اطلاعات شناسنامه‌ای امام علیه السلام، تعامل ایشان با گروه‌های شیعی و غیرشیعی، مواضع سیاسی آن حضرت، جایگاه امام در میان مسلمانان و به ویژه شیعیان، اطلاعاتی درباره شاگردان ایشان و بالاخره جایگاه علمی آن حضرت، بخشی از مطالبی است که به گونه‌ای بسیار موجز در این مقاله به آنها اشاره شده است. (Hodgson, 1991: 2/374) گرچه نمی‌توان همه آنها را تأیید کرد، مطالب قابل قبول آن نیز فراوان است. مهم‌ترین اشکال محتوایی غنا و عمق اندک این مطالب است که با توجه به شخصیت و جایگاه آن حضرت در میان جوامع علمی مسلمانان درگذر تاریخ و نیز با نظر به پیشرفت مطالعات شیعی در غرب در موضوعات مربوط به امامان، این مقاله می‌توانست غنای بیشتری داشت باشد. افزون بر این، ارائه تک‌نگاری‌های شیعیان، مانند اسد حیدر و سنیان، نظیر عبدالحلیم الجندی و محمد ابوزهره، مطالعات درباره امام صادق علیه السلام را عمق بیشتری بخشیده است، و از این جهت نیز مقاله حاضر در مقایسه با آنها، سطح چندان مطلوبی ندارد. (صفری فروشانی، ۱۳۸۷: ۲۹۵)

مقاله «امام موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام» نیز از اتان کلبگ است. این مقاله در قیاس با دیگر مقالات دائرةالمعارف در باب زندگانی دیگر امامان شیعه، طولانی‌تر است، 1993: 7/645 (Kohlberg) اما با این حال نتوانسته است همه ابعاد زندگانی امام هفتم را پوشش دهد، و چند مبحث مهم را اساساً از قلم انداخته، یا در حد اشاره به آنها پرداخته است و در نتیجه آن‌گونه که شایسته است نتوانسته امام را معرفی کند.

از جنبه‌های بسیار مهم زندگانی امام موسی بن جعفر علیه السلام حیات علمی و فکری آن حضرت است که در این مقاله به گونه‌ای بایسته کانون توجه قرار نگرفته، و نویسنده به معرفی چند اثر منسوب به امام کاظم علیه السلام بسنده کرده است؛ در حالی که در مصادر حدیثی شیعه، احادیث پرشماری در باب گستردگی و تنوع علوم آن حضرت به چشم می‌خورد.

ابن حجر هیثمی، محدث معروف اهل سنت در الصواعق المحرقة می‌نویسد: «موسی کاظم علیه السلام وارث علوم و دانش‌های پدر و دارای فضل و کمال بود». وی در ادامه می‌نویسد: «کان أعبد اهل زمانه و أعلمهم و أسخاهم». (هیثمی، ۱۳۸۵ق: ۲۰۳) آن حضرت به علومی چون لغت، تاریخ، نجوم، فقه، تفسیر، طب، و ... آگاهی داشت. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۱۰۰)

موضوع مهم دیگری که در حیات امام کاظم علیه السلام مطرح است، شیوه رهبری ایشان است. آن حضرت به برخی یاران نزدیک خویش اجازه می‌داد تا در دستگاه حاکم کار کنند. علی بن یقظین یکی از این افراد بود که با اجازه امام در دستگاه هارون سمت وزارت را بر عهده داشته تا حوایج مؤمنان را برآورده سازد. رویارویی امام با انحرافات فکری عصر خود، از دیگر مباحث مهمی است که مقاله بدان نپرداخته است. امام هفتم در برابر مکاتب فکری انحرافی، مانند غلات (طوسی، بی تا: ۴۰۸) عمل‌کنندگان به رأی (عطاردی، ۱۴۰۹ق: ۲۴۶) و مشبهه ایستاد و با این انحرافات مبارزه کرد. (نوری، ۱۳۸۷: ۳۲۷)

نویسنده مقاله «علی بن موسی الرضا علیه السلام» بی. لوئیس (B.Lewis) است. افزون بر ارائه اطلاعات شناسنامه‌ای امام رضا علیه السلام - مسئله محوری این مقاله موضوع ولایتعهدی آن حضرت است. (Lewis, ۱۹۸۶: ۳۹۹/۱) به نظر می‌رسد نویسنده مقاله می‌بایست به ابعاد بیشتری از زندگانی امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام اشاره می‌کرد تا مقاله در عین اختصار جامعیت لازم را نیز می‌داشت؛ ابعادی از این جمله:

- سیره اخلاقی، عبادی، سیاسی و اجتماعی امام رضا علیه السلام؛ (برای مثال ر.ک: قرشی، بی تا: ۳۱/۱)
- آگاهی فوق‌العاده امام به ادیان و مکاتب و زبان‌های گوناگون؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۶/۴۹)
- مناظرات علمی امام با رهبران و پیروان مذاهب و ادیان مختلف؛ (طبرسی، ۱۳۸۶ق: ۱۷۰/۲ به بعد)
- مبارزات فکری و سیاسی امام با فرقه‌های منحرف اسلامی نظیر واقفیه، مجسمه، مشبهه؛ (همان)
- تربیت و پرورش شاگردان و شیعیان فرهیخته و اندیشمند و اثرگذار
- نقش امام رضا علیه السلام در گسترش علم، حکمت، فلسفه و تمدن اسلامی. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۶۱/۴۹)

نویسنده امام را تنها در چهارچوب جریانات و حوادث سیاسی در نظر آورده و از دیگر جنبه‌های حیات امام غافل مانده است. برای مثال، درباره مقام علمی و معنوی امام، که توجه مورخان و پژوهشگران را به خود جلب کرده، فقط به نیم سطر بسنده کرده است، و از فضایل و مناقب امام، سخنی به میان نیاورده است. همچنین به کلمات و سخنان حکمت‌آمیز و راهبردی امام و اخلاق و منش نیکوی ایشان اشاره‌ای نکرده است.

مقاله «علی بن محمد الهادی علیه السلام» نوشته لوئیس است. او در معرفی امام هادی علیه السلام تنها به بیان تاریخ تولد و وفات و انتقال امام از مدینه به سامرا اشاره کرده است. (Lewis, 1986: 1/109) او به موقعیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی زمانه، وضعیت امام و جایگاه او در میان شیعیان، برخورد خلفاء با ایشان، و واکنش امام علیه السلام و اقدامات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی امام در مقام رهبر شیعیان هیچ اشاره‌ای نکرده است.

مؤلف مقاله «امام حسن بن علی العسکری علیه السلام» جی. الیاش (J. Eliash) است. وی در این مقاله کوتاه به گوشه‌هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام - اشاره کرده است (Hasan Al Askari) و زوایای بسیاری در این مقاله پنهان مانده است. تبیین دوره حساس امامت آن حضرت، و چگونگی رهبری شیعه؛ شیوه‌ها و راهکارهای ارتباطی آن حضرت با شیعیان در نقاط دور و نزدیک، که از جمله مهم‌ترین آنها وکلا و نمایندگان آن حضرت بودند؛ نقش ایشان در آماده‌سازی شیعه برای ورود به عصر غیبت و تلاش برای اثبات ولادت فرزندشان - حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ نشان دادن فرزندشان به خاصان شیعه، با رعایت اصل احتیاط و تقیه؛ و بالاخره نقش مهم علمی و ارشادی و معنوی آن حضرت، از محورهای مهمی هستند که در مقاله مغفول مانده است.

مقاله «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» نوشته جی. جی. ترهار (J.G.J. Ter Haar) است. از اساسی‌ترین نقدهایی که بر این مقاله وارد است پرداختن بیش از حد به برخی مباحث جزئی و مغفول نهادن مباحث اساسی است. برای نمونه، شماری از مباحث اساسی که جا داشت در این مدخل به آنها اشاره شود بدین قرارند:

- بشارت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (صدوق، ۱۳۸۲ ق: ۴۸۳/۱-۴۹۰) و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام (همان: ۵۳۹، ۵۶۴، ۵۸۲، ۵۸۳ و...) درباره امام مهدی و زمینه‌سازی برای این امر؛
- زمینه‌سازی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (همان: ص ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷ و ...) و امامان معصوم: برای غیبت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، (همان: ص ۵۳۹، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۸۳، ۵۸۸، ۵۹۵، ۵۹۹، ...) و نگارش یافتن کتاب‌هایی با عنوان «الغیبه» پیش از تولد آن حضرت، که نشان‌دهنده قطعی بودن امر غیبت حضرت است؛ (طوسی، ۱۴۲۰ ق: ۱۰، ۱۶، ۱۳۴، ۲۹۴ و ...))
- حکومت جهانی مهدوی؛ (صدوق، ۱۳۸۲ ق: ۴۷۵/۱، ۴۸۱، ۵۲۷، ۶۰۳)
- انتظار و دوران غیبت کبرا (همان: ۱۱/۲، ۱۳، ۳۹، ۷۰، ۷۳ و ...) (رهبری شیعه، چگونگی ارتباط با امام، و ...)؛
- ظهور و علائم آن (طوسی، ۱۴۱۱ ق، ص ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۳، ۳۶۴ و ...) با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از روایات پیشوایان شیعه درباره امام مهدی (ع) به این موضوع می‌پردازد. توجه به این نکته ضروری است که بحث‌های یادشده، گرچه در مدخل مهدویت نیز قابل طرح‌اند، اما اعتقاد به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را در میان شیعیان دوازده امامی نمی‌توان از مطالب یاد شده جدا ساخت، و به دست آوردن تصویری کامل از امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در میان شیعیان دوازده امامی، جز با پرداختن به مباحث یادشده امکان‌پذیر نیست.
- آخرین موضوعی که می‌توان به آن اشاره کرد، مغفول‌گذاشتن این نکته اساسی است که امام دوازدهم شیعه، همان مهدی موعود اسلام است. متأسفانه در هیچ جای این مدخل، به عقیده نجات‌بخشی شیعه درباره امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام اشاره‌ای وجود ندارد. (عرب، ۱۳۸۷ ب: ۳۲۷-۴۶۳)
- مقاله «خدیجه» دائرةالمعارف اسلام به قلم اسلام شناس مشهور مونتگمری وات (Montgo Mery Watt)، نگاشته شده است. نگاهی اجمالی به این مقاله نشان می‌دهد که این مقاله در معرفی شخصیت و زندگانی حضرت خدیجه، نقائص و کاستی‌های فراوانی دارد و بسیاری از

جنبه‌های زندگانی این بانوی بزرگ اسلام را بازگو نکرده است. برای نمونه، شخصیت حضرت خدیجه پیش از اسلام و جایگاه او در میان قریش مورد توجه قرار نگرفته است. ماجرای ازدواج وی با پیامبر از نکات مهم و ارزشمندی برخوردار است که در این مقاله به آنها اشاره‌ای نشده است. جایگاه حضرت خدیجه نزد پیامبر و عشق و علاقه خاصی که آن حضرت به ایشان داشت ذکر نشده است. ماجرای «شعب ابی طالب» و نقش حساس و تعیین کننده خدیجه در آن، تنها به کمک‌های مشکوک حکیم بن حزام خلاصه شده و اشاره‌ای به اصل ماجرا و اهمیت آن نشده است. حمایت‌های همه جانبه حضرت خدیجه از پیامبر که بخش عمده‌ای از فضائل ایشان را تشکیل می‌دهد، بسیار ناقص و پراشتباه بیان شده است. نویسنده مقاله می‌توانست دست کم، اشاره‌ای کوتاه و اجمالی به برخی فضایل و مناقب حضرت خدیجه که در همه منابع تاریخ و حدیث اسلام منعکس شده است، بنماید و مقاله را با تبیین ویژگی‌های شخصیتی حضرت خدیجه به پایان ببرد. (عرب، ۱۳۸۷: ۲۳)

در مقاله «ماریه [قبطیه]» با اینکه نویسنده به رویدادها و مباحث مهمی در شرح حال ماریه اشاره کرده است (Buhl, 1991: 6/575) به چند مبحث بسیار مهم نپرداخته است. از جمله این مباحث ماجرای «افک» است که نویسنده اصلاً به آن اشاره‌ای نکرده است با اینکه بسیاری از گزارش‌های موثق موضوع افک را مربوط به ماریه قبطیه می‌دانند. موضوع دیگری که بیشتر منابع به آن اشاره کرده‌اند، اسلام آوردن ماریه قبطیه پیش از رسیدن به مدینه است که نویسنده مقاله بدان نپرداخته است.

در مقاله «حفصه» نیز به رغم کوشش نویسنده در ارائه همه گزارش‌ها برخی از رویدادهایی را که در بیشتر منابع ذکر شده، یا از قلم انداخته و یا به طور ناقص به آنها اشاره کرده است. (Vaglieri 6/63: 1991) از جمله به نقش حفصه در جنگ جمل به صورت ناقص پرداخته است. همچنین به شماری از شأن نزول‌هایی که حفصه در آن دخیل بوده و در مقام نكوهش وی می‌باشد، اشاره‌ای نشده است.

نویسنده مقاله صفیه نیز نتوانسته است همه رویدادهای زندگی او را پوشش دهد و برخی گزارش‌های مشهور درباره وی را که در بیشتر منابع به آنها اشاره شده از قلم انداخته است. (نوری، ۱۳۸۷: ۱۴۹ و ۲۶۵)

در دائرةالمعارف قرآن - لیدن نیز شمار زیادی از مقالات از جامعیت لازم برخوردار نیستند. مثلاً نویسنده مقاله اقتصاد (Economics) این دائرةالمعارف که «عبدالله سعید» است نتوانسته است از عهده بیان حق مطلب، در حد انتظار از یک دائرةالمعارف برآید؛ موضوعاتی مانند ارکان اقتصاد اسلامی، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، مبانی نظری و حقوقی اقتصاد اسلامی، اهمیت اقتصاد از منظر قرآن، الگوی مصرف و... می‌توانست بیشتر مورد توجه قرار گیرد. توجه به نقاط اشتراک موضوع اقتصاد با دیگر عناوین دینی از جمله کمبودهای مقاله است. طرح مباحثی چون ارتباط اقتصاد و سیاست، اقتصاد و دین، اقتصاد و فرهنگ، اقتصاد و اجتماع می‌توانست مقاله را غنی‌تر سازد.

نویسنده مقاله «فاطمه» در EQ دکتر جین دمن مک اولیف (Dr. Gane Dammen MC Auliffe) است که سروراستاری این دائرةالمعارف را نیز عهده‌دار است. (MC Auliffe .2002: 2/841) این مقاله علی‌رغم برخورداری از نقاط قوت، نقاط ضعفی هم دارد؛ از جمله اینکه مؤلف در این مقاله تنها به ۳ آیه در مورد حضرت فاطمه اشاره می‌کند. با اینکه ذیل ۱۳۵ آیه در مورد حضرت فاطمه روایت نقل شده است و نویسنده حتی فهرستوار به آنها اشاره نکرده است؛ از این رو مقاله ناقص است.

در مقاله «امام» (Imam) که به قلم امتیاز یوسف نگاشته شده است، مشکل اساسی مقاله آن است که جان کلام در باب امام و امامت را در حدّ یک دائرةالمعارف معمولی نیاورده است، بلکه پاره‌ای از مطالب به صورت گزینشی و بسیار ناقص و سؤال برانگیز، همراه با لغزش‌های علمی در کنار هم قرار گرفته است که چندان نتیجه مشخصی ندارد. علاوه آنکه در زمینه اعتقاد اهل سنت در باب رهبری جامعه اسلامی (امام) نکته قابل ملاحظه طرح نگردیده است. گویا ذهن نویسنده

تنها به موارد کاربرد واژه معطوف بود و به همین جهت بدون توجه به اصل مطلب از کاربرد واژه «امام» نزد اهل سنت برای امام جماعت و رجال علمی، سخن به میان آورده است.

در دائرةالمعارف جهان نوین اسلام نیز بسیاری از مقالات از عدم جامعیت رنج می‌برد؛ از جمله در مقاله ابوذری غفاری که در جلد ۱ این دائرةالمعارف آمده است، به جانشینی او از پیامبر در مدینه در ماجرای غزوه بنی‌المصطلق و سفر عمره آن حضرت اشاره‌ای نشده است. همچنین مواجهه او با خلافت ابوبکر و پایداری او در همراهی با علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز مبارزه او با معاویه در شام که به اخراج او از شام انجامید، در این مقاله مسکوت مانده است. پیوستگی ابوذری با حضرت علی علیه السلام تا آنجا بود که چون عثمان او را به ریزه تبعید کرد امام علی علیه السلام - همراه دو فرزند خود و برخی از یارانش به رغم منع رسمی عثمان و مراقبت شدید مروان او را بدرقه کردند و بعدها آن حضرت در خطبه‌ای شیوا، عثمان را نکوهید و ابوذری را ستود. ابوذری در ریزه درگذشت. جمعی از حاجیان که از آنجا می‌گذشتند، خاکسپاری او را بر عهده گرفتند و مالک اشتر بر پیکر او نماز گزارد. جایگاه و اعتبار او نزد مسلمانان چنان بود که مدفنش زیارتگاه شد و هنوز نیز «ریزه» با نام ابوذری پیوند خورده است. انتظار بود در مقاله ابوذری به این گزارش‌ها نیز اشاره شود.

در مقاله «امام خمینی» دائرةالمعارف آکسفورد که در جلد ۱ آمده و به قلم باقر معین است، کمبودهایی ملاحظه می‌شود؛ از جمله به هیچ وجه به دفاع مقدس ملت ایران به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه در مقابل تهاجم همه جانبه رژیم بعث عراق و حمایت‌های بین‌المللی از عراق و حراست شایسته از حاکمیت و تمامیت ارضی ایران که در تاریخ دویست ساله اخیر بی نظیر است توجه نشده است و صرفاً به تداوم جنگ آن هم بدون عنایت به نظریات مشروع ایران برای محکومیت متجاوز اشاره می‌کند. همچنین در این مقاله به تفکر استقلال طلبی امام خمینی رحمته الله علیه که در سیاست محوری و مهم ایشان، نه شرقی، نه غربی، که متضمن عدم وابستگی ایران به دول مقتدر خارجی و دفاع از اداره کشور به دست نظامی مردمی و اسلامی است هیچ گونه توجهی نشده است. (معین، ۱۳۸۸، ۵۰۹/۱)

۳-۲-۲. انعکاس اندک آرای شیعه

یکی از ابعاد عدم جامعیت دائرةالمعارف‌های خاورشناسان کم‌توجهی به مباحث و موضوعات مرتبط با شیعه است و در مقالات مختلف نیز به انظار شیعه کمتر پرداخته شده است. محمود مهدوی دامغانی پس از مطالعه شماری از مقالات مرتبط با شیعه در ترجمه عربی ویراست نخست دائرةالمعارف اسلام از کمبود شدید اطلاعات در آن مقالات سخن گفته است. به گفته او شرح حال ابوذر غفاری فقط در ۴ سطر نوشته شده است و هیچ‌گونه اشاره‌ای به عظمت این مرد بزرگ و صحابی نامدار و سهم او در تشیع نشده است و از تبعید او به ریزه سخن به میان نیامده است. یا در مقاله «اجماع» هیچ اشاره‌ای به دیدگاه‌های مذهب شیعه درباره اجماع نشده است. در موضوع تقلید که موضوع مهمی است مؤلف مقاله دیدگاه‌های شیعه را در ضمن ۲ سطر آورده است. همچنین در ذیل مقاله «حدیث» نویسنده فقط در ضمن چند سطر از حدیث شیعه سخن گفته است و به جای کتب اربعه از کتب خمس یاد کرده و نهج البلاغه را به چهار کتاب حدیثی شیعه افزوده است. مؤلف مقاله «عایشه» نیز با نادیده انگاشتن دیدگاه‌های شیعه و بدون اشاره به اختلاف نظرهایی که در برخی حوادث مهم تاریخی وجود دارد، تنها قرائت مشهور اهل سنت را از عایشه برگزیده و با تکیه بر اخبار مشهور تاریخی، شخصیت و زندگانی عایشه را به تصویر کشیده است. (عرب، ۱۳۸۷: ش: ۹۱)

مونتگمری وات اسلام شناس مشهور غربی در مقاله «ابوطالب» Ei بدون اشاره به دیدگاه و ادله شیعه در خصوص ایمان ابوطالب، به صراحت ایمان نیاوردن ابوطالب را ادعا کرده است. (Vatt, 1986: 1/152)

در دائرةالمعارف قرآن - لیدن نیز وضعیت به همین نحو است و متأسفانه به آرای مذهب شیعه امامی به خوبی پرداخته نشده است. البته تردیدی نیست که در مقالات دائرةالمعارف باید به دیدگاه‌های اهل سنت پرداخته شود، زیرا لازم است در هر مقاله دائرةالمعارفی آرای مسلمانان به صورت کامل گزارش شود و اکثریت جمعیت مسلمانان اهل سنت می‌باشند؛

ولی با این وجود حدود یک چهارم از کل امت اسلامی را شیعیان تشکیل می‌دهند و از یک گزارشگر منصف انتظار می‌رود آرا و نظریه‌های آنان را در موضوعات مختلف مطرح کند هرچند یک چهارم از حجم مقاله را در بر بگیرد. به‌ویژه آنکه اندیشه دینی شیعه به دلیل دو عنصر عقل‌گرایی و فراگیری دانش دینی از امامان معصوم: به جای صحابه و تابعین غیرمعصوم- دارای تفکر، برداشت و تحلیل‌های ناب‌تر و عقل‌پسندتری راجع به مسائل اسلامی و قرآنی است و ویژگی عقل‌گرا بودن یک مستشرق غربی باید به صورت طبیعی، او را به سوی توجه و اهتمام بیشتر به نظرات شیعه بکشاند. اما متأسفانه دائرةالمعارف قرآن - لیدن در برخی مقاله‌ها، آن هم بسیار اندک به آرای شیعه توجه کرده است که این روش سبب می‌شود زیبایی‌های فرهنگ اسلام و قرآن به مغرب زمین عرضه نشود. (مؤدب، ۱۳۸۷: ۱۰۵)

«ایوان فایرستون» در مقاله «ابراهیم» پدر وی را مشرک معرفی می‌کند و می‌نویسد: به‌رغم آنکه پدر ابراهیم (آزر) با او به مخالفت برمی‌خیزد، اما ابراهیم برایش دعا می‌کند و از خدا می‌خواهد که از گناه بت‌پرستی او درگذرد. محمد ﷺ نیز وضع مشابهی در این زمینه دارد چراکه او بر حسب روایت، همین دعا را برای اجداد بت‌پرست خود می‌کند. مؤلف برای اثبات این ادعا به تفسیر طبری استناد می‌کند درحالی‌که دیدگاه مشهور شیعیان در هر دو مورد خلاف این نظریه است و آنان معتقدند که نیاکان همه پیامبران خداپرست و موحد بوده و به شرک آلوده نبوده‌اند. مفسران شیعه از جمله شیخ طوسی و طبرسی در تفاسیر خود بر این نکته تأکید کرده‌اند که آزر «والد» ابراهیم نبوده بلکه پدر بزرگ مادری، عمو و یا مربی وی بوده است. (زمانی، ۱۳۸۲: ۷۵)

مقاله فقه و قرآن EQ را وائل حلاق نگاشته است (Hallaq, 2003: 3/149) از آنجاکه پیشینه آموزشی و پژوهشی این نویسنده در زمینه فقه و حقوق اسلامی است انتظار می‌رفت که به همه دیدگاه‌ها و آرای مذاهب آگاه باشد و آن را در مقاله خود طرح کند، درحالی‌که نویسنده در گزارش از نظرات فقه قرآنی یک سونگری کرده و تنها به دیدگاه‌ها و منابع اهل سنت پرداخته و به آراء و منابع شیعه توجه نکرده است. (فاکر میبیدی، ۱۳۸۶: ۱۵۳)

در دائرةالمعارف جهان نوین اسلام نیز در بسیاری از موارد به دیدگاه‌های شیعه کم‌توجهی شده است. از جمله در مقالاتی که مربوط به فقه و اصول فقه است به وضوح می‌توان دریافت که مباحث ارائه شده همه بر اساس دیدگاه‌های اهل سنت است و در اغلب موارد هیچ اشاره‌ای به فقه شیعه نمی‌کند و اگر اشاره‌ای هم باشد بسیار کوتاه و ناچیز است. نویسندگان مقاله «اصول الفقه» نیز گویی نامی از اصول فقه شیعه و به خصوص اصول فقه معاصر - که دانشی قوییم و ارزشمند است - نشانیده است. این کم‌توجهی به آراء شیعه علی‌رغم آن است که سرویراستار در پیشگفتار به اهمیت انقلاب ایران در بیداری غرب از جهل مرکب اشاره کرده و ایران را عامل حرکت خود و دیگر دست‌اندرکاران مجموعه دائرةالمعارف جهان نوین اسلام برای تدوین آن معرفی کرده است و تردیدی نیست که فرهنگ تشیع مشخصه ایران اسلامی است. (هدایی، ۱۳۸۰: دفتر ۶۹)

نتیجه‌گیری

خاورشناسان در دایرةالمعارف‌هایی که در زمینه اسلام نگاشته‌اند هم در انتخاب مدخل‌ها و هم در محتوای مقالات رعایت اصل جامعیت را نکرده‌اند. در گزینش مدخل‌ها جستجوی لازم و همه‌جانبه‌ای را نداشته و موضوعاتی را برگزیده‌اند که در میان مسلمانانی که با آنها مراوده داشته‌اند، شناخته شده بوده است. مثلاً در Ei به علت مراوده فراوان شرق شناسان با مسلمانان ترکیه، مدخل‌های مربوط به این کشور فراوان است، درحالی‌که مدخل‌های مربوط به ایران بسیار اندک است؛ از همین رو وقتی که در ایران در دهه ۵۰ تصمیم گرفتند که Ei را ترجمه کنند به این نتیجه رسیدند که باید مدخل‌های فراوانی مربوط به ایران به آن بیفزایند تا این کمبود جبران شود و نام آن را دانشنامه ایران و اسلام گذاشتند.

در گزینش محتوای مقالات نیز خاورشناسان جستجوی لازم را نداشته و بیشتر محتوای منابعی که در دسترس داشته انعکاس داده‌اند و در اکثر موارد از بازتاب جامع دیدگاه‌ها و به‌ویژه دیدگاه‌های شیعه بازمانده‌اند.

نگاه خوش‌بینانه به عملکرد خاورشناسان در عدم بازتاب برخی مباحث به‌ویژه آموزه‌های شیعه اقتضا می‌کند که این عملکرد را ناشی از عدم دسترسی به منابع بدانیم؛ با این حال این احتمال نیز قابل طرح است که شاید عدم طرح شماری از مباحث ناب و مترقی، عامدانه و با انگیزه وقوع مخاطب در شبهه و ابهام بوده است.

در هر حال، برای برطرف شدن این نقیصه و ایجاد جامعیت در این دانشنامه‌ها لازم است پژوهشگران متخصص در زمینه دانشنامه‌نگاری حوزه کاری خویش را گسترش داده و با این دانشنامه‌ها وارد تعامل و همکاری شوند.

منابع

۱. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، (۱۳۸۲)، کمال الدین و تمام النعمة، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۲. حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۰). «سخنی درباره دایرةالمعارف اسلام». مجله نشر دانش. تهران، سال دوم، ش ۱، آذر و دی ۱۳۶۰.
۳. زمانی، محمد حسن. (۱۳۸۲). «نقدی بر دایرةالمعارف قرآن لیدن». پژوهش های فلسفی و کلامی. سال پنجم، شماره اول و دوم.
۴. صفری فروشانی، نعمت الله. (۱۳۸۷). «نقد و بررسی مقاله امام جعفر بن محمد الصادق ع. تصویر امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام. زیر نظر محمود تقی زاده داوری. قم: مؤسسه شیعه شناسی.
۵. طارمی، حسن. (۱۳۸۷). «نقد و بررسی مقاله امام محمد بن علی ع». تصویر امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام. زیر نظر محمود تقی زاده داوری. قم: مؤسسه شیعه شناسی.
۶. طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۸۶ق). - الاحتجاج. نجف: دار النعمان.
۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). الشیعه و اصولهم. قم: مکتبه المحقق الطباطبایی.
۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). الغیبة. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
۹. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). رجال الکشی. نجف: بی نا.
۱۰. عرب عبدالرضا. (۱۳۸۷ الف). «نقد و بررسی مقاله خدیجه». تصویر خانواده پیامبر ﷺ در دائرةالمعارف اسلام. قم: مؤسسه شیعه شناسی.
۱۱. عرب، عبدالرضا. (۱۳۸۷ ب). «نقد و بررسی مقاله علی بن موسی الرضا ع». تصویر امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام. زیر نظر محمود تقی زاده داوری. قم: مؤسسه شیعه شناسی.

۱۲. العطاردی. (۱۴۰۹ق). - مسند الامام الكاظم. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۳. فاکر میبیدی محمد. (۱۳۸۶). «نقد مقاله فقه و قرآن». دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان. سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۳، قم: مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی.
۱۴. قرشی، باقر شریف. (بی تا). حیاة الامام الرضا عليه السلام. قم: سعید بن جبیر.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸). اصول کافی. تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۱۷. مظفر، اقبال. (۱۳۸۸). «قرآن پژوهی خاورشناسان». دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان. سال چهارم. شماره پیاپی ۶. قم: مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی.
۱۸. معین، باقر، (۱۳۸۸). «امام خمینی»، دایره المعارف جهان نوین اسلام»، تهران: کتاب مرجع.
۱۹. مؤدب سید رضا، «نقد دائرةالمعارف قرآن بر اساس آرا و مبانی شیعه». شیعه شناسی. سال ششم، شماره ۲۳.
۲۰. نوری محمد موسی. (۱۳۸۷). «نقد و بررسی مقاله امام موسی بن جعفر ع». تصویر امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام. زیر نظر محمود تقی زاده داوری. قم: مؤسسه شیعه شناسی.
۲۱. هدایی، علی رضا. (۱۳۸۰). «دایرهالمعارف جهان اسلام در دوران جدید آکسفورد». مقالات و بررسی ها. دفتر ۶۹. تابستان ۱۳۸۰.
۲۲. هیثمی، ابن حجر. (۱۳۸۵). الصواعق المحرقة. قاهره: مکتبه القاهرة.
۲۳. یار شاطر، احسان. (۱۳۵۴). دانشنامه ایران و اسلام. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

24. Buhl, F. (1991). "Mariya". Eì, leiden: brill.

25. . Hallaq, w. (2003). "Law and the quran". Eq, Leiden: brill.

26. , m, g, s. (1991). - "Djafar Al sadik". Eì, leiden: brill.

27. Lewis, B. (1986). - "Ali Al Riza". Eì, Leiden: brill.

28. Kohlberg, e. (1993). "Muhammad b Ali". Eì, Leiden: brill.

29. Kohlberg, e. (1993). "Musa al kazim". Ei, Leiden: brill.

30. Mc, Auliffe. (2002). "Fatima". Eq, Leiden: brill.

31. Vaglieri, l. (1991). "Hafsa". Eì, Leiden: brill.

32. Watt, M. (1989). "Abu talib". Eì, Leiden: brill.

Criticism of comprehensiveness in Islamic encyclopedias of orientalists

Ali Khorasani¹

Abstract

Encyclopedia of Islam, Encyclopedia of the Qur'an and Encyclopedia of the Modern World of Islam are three important encyclopedias that orientalists have written about Islam in the last one hundred years.

Because the Westerners are considered to be the originators of writing encyclopedias in today's formats, it is expected that they have followed the standards known in compiling the encyclopedia; including the observance of comprehensiveness in the selection of entries as well as comprehensiveness in the content presented in the articles – which means to address all the basic and important points of view in each subject.

In this research, which is carried out with a descriptive and analytical method and in a library format and referring to the entries and articles of these encyclopedias, it is intended to answer the question that to what extent orientalists have observed the principle of comprehensiveness in Islamic encyclopedias.?

It is clear from this research that the Islamic encyclopedias of Orientalists have not respected the principle of comprehensiveness in a number of fields, especially in the topics, terms and doctrines related to Shia, and for this reason, they have many shortcomings.

The necessity of exploring this topic is because these encyclopedias are the most important source and reference for the introduction of Islam in the West and the result of this research can encourage Muslim thinkers, seminarians and academics to make a new effort in the field of encyclopedia writing, especially in foreign languages. It can lead to the organization of scientific communication with the editors of western encyclopedias and the re-authoring, correction and completion of some articles.

Keyword: Islam, Orientalists, Orientalism, completeness of encyclopedias. Islamic encyclopedias.

1. Assistant Professor of Quranic Sciences, Islamic sciences and culture academy (khorasani110@gmail.com)